

مسئولیت کیفری بین‌المللی برای کشتار مسلمانان در میانمار

| حسین فخر* | دانشیار گروه حقوق دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

| سالار صادقی | دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران

چکیده

کشور میانمار واقع در جنوب شرقی آسیا از سال ۱۹۴۸ درگیر مخاصمات قومی و مذهبی بوده است و اقلیت مسلمان این کشور همواره از سوی اکثریت بودایی‌ها مورد تبعیض و ظلم واقع شده‌اند. رویدادها و خشونت‌های سال ۲۰۱۲ در ایالت راخین منجر به قتل عام، تجاوز و جابه‌جایی صدها مسلمان در این کشور شد. در سپتامبر سال ۲۰۱۷ نیز بوداییان دست‌کم نزدیک به هزار تن از مسلمانان از جمله زنان و کودکان را به قتل رساندند که موجب واکنش‌های شدید بین‌المللی شد. این وقایع از جمله جنایات بین‌المللی است که تاکنون در هیچ دادگاهی مورد رسیدگی قرار نگرفته و از لحاظ حقوقی مسکوت مانده‌اند. با توجه به حقایق ثبت‌شده و طبق قوانین بین‌المللی، به نظر می‌رسد نابودی عمدی مسلمانان توسط بودایی‌ها در کشور میانمار می‌تواند مصداقی از جرم نسل‌زدایی یا جنایت علیه بشریت باشد و اگر چنین باشد دادگاه صالح به این جنایت و مسئولیت دولت میانمار در این خصوص مطرح می‌شود. این مقاله درصدد بررسی وقایع میانمار از منظر حقوق کیفری بین‌المللی است. بر این اساس، بررسی ابعاد قانونی و توصیف حقوقی این وقایع نشانگر آن است که جرائم متعدد بین‌المللی در میانمار رخ داده است و جامعه جهانی برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی این جنایات، باید دادگاهی بین‌المللی برای رسیدگی به آن‌ها تشکیل دهد.

واژگان کلیدی: میانمار، مسلمانان روهینگیا، بودایی‌ها، جنایت بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی.

مقدمه

جنایات بین‌المللی جنایاتی هستند که نقض ارزش‌های مشترک جهانی و تهدیدی برای صلح و امنیت جهان هستند. کاستی‌ها و معضلات جامعه بین‌المللی که به دنبال نقض گسترده و آشکار حقوق بشر به وجود می‌آید، ضرورت پاسخ به موقع و مناسب به این جنایات را نشان می‌دهد. پس از جنگ جهانی دوم و جنایات واقع شده در خلال آن، توجه جامعه جهانی به حقوق بشر بیش‌تر جلب شد و اسناد بین‌المللی متعددی درباره نقض‌های شدید حقوق بشر تصویب شد که از جمله آن‌ها، اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور لندن برای جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت و کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌زدایی است. کنوانسیون اخیر یک سند الزام‌آور برای تمام کشورها است که به موجب آن، دولت‌ها برای اعمال غیرقانونی بین‌المللی خود و به موجب عضویت خود در جامعه بین‌المللی، تعهدات عام‌الشمول^۱ دارند و در صورت نقض آن‌ها، مسئول شناخته خواهند شد. اما موج وسیعی از جنایات بین‌المللی در گوشه و کنار جهان ادامه یافت که از جمله این جنایات‌ها می‌توان به قتل عام کردها در عراق، جنایات خمرهای سرخ در کامبوج، نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت در رواندا و یوگسلاوی سابق و همچنین جنایات نفرت‌آلود گروه‌های تکفیری اشاره کرد.

یکی از بحران‌های بین‌المللی در قرن بیستم، بحران کشور میانمار است که از زمان استقلال در سال ۱۹۴۸، درگیر ظلم، تبعیض، نابرابری، ناآرامی و شورش‌ها و کشتارها بوده است. هرچند دولت میانمار اخیراً آزادی‌های نسبی سیاسی را برقرار کرده است، اما میهن‌پرستان بودایی قسوت‌های گسترده‌ای علیه گروه‌های اقلیت مرتکب شده‌اند. اقلیت مسلمان میانمار که روهینگیا^۲ نامیده می‌شوند توسط دولت نظامی تا سال ۲۰۱۱ و سپس دولت جدید به ریاست جمهوری تین سین و نیز توسط اکثریت جمعیت بودایی این کشور، مورد تبعیض و ظلم‌های متعددی قرار گرفتند و در سال ۲۰۱۲ صدها نفر مسلمان روهینگیا توسط بودایی‌ها و با حمایت دولت قتل عام و پاک‌سازی نژادی شده و ۱۲۰۰۰ نفر جابجا شدند و این امر موجب گسترش احساسات ضد‌مسلمانی در این کشور شد. اعمال مذکور در سکوت مجامع بین‌المللی و خبری صورت گرفته و دولت میانمار هم توسط جامعه بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته است. این جنایات با وجود واکنش‌های جهانی، بی‌کیفر مانده است و تا به حال هیچ مرجع قانونی برای رسیدگی به آن‌ها تشکیل نشده است.

هدف مهم مقاله حاضر بررسی و واکاوی ابعاد حقوقی جنایات واقعه در میانمار با عنایت به موازین و مقررات حقوق بین‌الملل است بنابراین، سعی بر این است که اقدامات مذکور در میانمار

1- Erga omnes

2- Rohingya

با توجه به حقوق بین‌الملل کیفری مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود که با توجه به قوانین بین‌المللی اولاً ماهیت و عناوین جرائم ارتكابی در میانمار چیست و کدام یک از جرائم بین‌المللی - ژنوسید یا جنایت علیه بشریت یا جنایات جنگی - را در بر می‌گیرد؛ ثانیاً مسئولیت مرتکبان و دولت در این کشتار چگونه تحقق پیدا می‌کند و ثالثاً چه دادگاهی برای رسیدگی به این جنایت صلاحیت دارد. در ادامه پس از معرفی پیشینه تاریخی مخاصمات میانمار و شرح واقعه، ابعاد بین‌المللی و کیفری این واقعه از لحاظ حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه تاریخی مخاصمات در میانمار

میانمار^۱ با نام پیشین برمه^۲، کشوری است واقع در جنوب شرقی آسیا در مجاورت تایلند، هند و بنگلادش با جمعیت حدود ۶۰ میلیون نفر که ۶۸ درصد از تبار برمه‌ای^۳، ۹ درصد شان^۴، ۷ درصد کارن^۵ و بقیه از دیگر اقوام هستند. ۸۹ درصد از مردم میانمار بودایی، ۶ درصد مسیحی، ۴ درصد مسلمان و ۱ درصد نیز پیرو آئین هندو هستند. کشور میانمار از مستعمره‌های بریتانیا بود که در سال ۱۹۴۸ به استقلال رسید و از زمان استقلال، شاهد درگیری‌های درازمدت میان اقوام پر شمار خود بوده و یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های داخلی را به خود دیده است. میانمار از ۱۹۶۲ تا ۲۰۱۱ به وسیله یک رژیم نظامی اداره می‌شد، اما از پس از برگزاری انتخابات در سال ۲۰۱۲، حکومتی نیمه‌نظامی جایگزین آن شد که دست به یک رشته اصلاحات دموکراتیک زده است. در سال ۱۹۸۹ حکومت نظامی دست به اصلاحاتی زد و نام کشور برمه را به میانمار تغییر داد.^۶

«روهینگیا» نام یک گروه اقلیت مسلمان در میانمار است که تقریباً یک میلیون نفر از جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهند و بیش‌تر در ایالت راخین (که قبلاً ایالت آراکان نام داشت) زندگی می‌کنند. ایالت راخین در غرب میانمار نزدیک مرز کشور بنگلادش قرار دارد و بسیاری از مردم روهینگیا دهه‌های طولانی در میانمار زندگی کرده‌اند. جامعه روهینگیا ریشه تاریخی در این کشور دارند و بومیان ایالت راخین بوده و صد درصد مسلمان هستند. اما دولت رسمی و اکثریت مردم میانمار آن‌ها را بیگانه تلقی می‌کنند. قوانین دولتی این جمعیت را از حق شهروندی، ازدواج و آزادی

1- Myanmar

2- Burma

3- Bamar

4- Shan

5- Karen

6- <https://en.wikipedia.org/wiki/Myanmar>, accessed February 2017.

مذهبی محروم کرده است (USHMM, 2015: 5) نام ایالت آراکان را هم حاکمان میانمار تغییر دادند که در واقع نام قوم بودایی مذهب ساکن در میانمار است.

جنگ داخلی و ناآرامی از زمان استقلال کشور میانمار از استعمار انگلستان در سال ۱۹۴۸ شروع شد. بعد از استقلال میانمار و تقسیم شبه قاره هند، آراکان داخل میانمار قرار گرفت و سرنوشت مسلمانان روهینگیا به دست حاکمان جدید بودایی مذهب میانمار افتاد. بعد از کودتای ۱۹۶۲ توسط ژنرال نه وین^۲ تمام احزاب مخالف تحریم شدند و مقامات دولتی قوانین تبعیض آمیز علیه مسلمانان روهینگیا وضع کردند. علاوه بر جابه‌جایی اجباری و محرومیت از حق شهروندی، در دهه ۲۰۰۰ میلادی آزارها و تعقیب‌های مذهبی علیه آن‌ها آغاز شده و مساجدشان نیز تخریب شده است. در سال ۲۰۱۱ تین سین رئیس جمهور کشور میانمار شد و دست به اصلاحاتی زد و برخی محدودیت‌ها را برداشت اما هم‌زمان نیروهای امنیتی دولت مسلمانان روهینگیا را بازداشت کرده و محدودیت‌هایی را علیه آزادی آنان در ازدواج و فرزندآوری اعمال کردند (Lindblom and others, 2015: 4-15). مسلمانان روهینگیا به موجب قانون حقوق شهروندی ۱۹۸۲ از حق شهروندی محروم شدند. با اینکه آنان قرن‌ها در آن کشور بوده اند، اما دولت میانمار آن‌ها را به‌عنوان مهاجران غیرقانونی بنگلادشی می‌داند.

۲. تشدید و استمرار حمله‌ها

تنش‌ها از زمانی تشدید شد که در ۲۸ می ۲۰۱۲ چند مرد به یک زن اهل ایالت راخین که در حال رفتن به منزل بود تجاوز کرده و او را به قتل رساندند. مردان به‌زودی به‌عنوان روهینگایی برچسب خورده و سه نفر از آن‌ها زندانی شدند. در سوم ژوئن ۲۰۱۲ ده مسلمان در حمله به یک اتوبوس توسط گروهی از اهالی راخین کشته شدند، چون مهاجمان فکر می‌کردند که آن‌ها مسئول تجاوز و قتل آن زن هستند. مهاجمان با خطاب کردن مسافران مسلمان به‌عنوان "اجنبی" به ضرب و جرح آن‌ها پرداخته و آن‌ها را از اتوبوس به جاده پرتاب کردند (Munlaws, 2016: 10). صدها نفر از مردم و پلیس و ارتش شاهد این حمله بودند، اما هیچ دخالتی نکردند. خشونت‌ها تشدید شد و هم اهالی راخین و هم روهینگایی‌ها اقدام به تخریب و آتش‌سوزی خانه‌ها، مساجد و یتیم‌خانه‌ها کردند. نیروهای امنیتی دولت هیچ مداخله‌ای برای توقف خشونت نکردند. اما رئیس‌جمهور وضعیت اضطراری اعلام کرد. این شورش‌ها منجر به جابه‌جایی ده‌هزار روهینگایی و راخینی شد. نیروهای دولتی به‌طور خودسرانه صدها نفر از جمعیت روهینگیا را بازداشت کردند. برخی شهروندان راخینی به زنان روهینگیا تجاوز کردند و در برخی شهرها مسلمانان از خانه‌های خود اخراج شدند. برخی فعالان

1- United States Holocaust Memorial Museum (موزه یادبود هولوکاست)

2- Ne Win

بودایی مسلمانان را "مار" و "سگ‌های دیوانه" خطاب کردند. کمیسیونر عالی سازمان ملل متحد تخمین زد که ۸۰۰۰۰ نفر جابه‌جا شدند (Lindblom and others, 2015: 21). در ۲۱ مارس، ۳۰ دانش‌آموز و معلم مسلمان توسط بودایی‌ها قتل عام شدند. پلیس مداخله نمی‌کرد و گاهی هم در ارتکاب جرائم مشارکت می‌کرد. مقامات همچنین از کفن و دفن مسلمانان طبق قوانین اسلام جلوگیری کرده و مسلمانان طبق رسوم بودایی دفن شدند. در نتیجه این اعمال، طبق گفته گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در میانمار، ۱۴۰۰۰۰ نفر از مسلمانان آواره شدند (GCR2P, 2014: 3). مسلمانان بعد از این وقایع شورش و اعتراض کردند. سپس موج کشتارها توسط بودایی‌ها به سوی کل مسلمانان میانمار کشیده شد و مسلمانان کمان‌ها هم که از اقلیت‌های دیگر مسلمان میانمار هستند مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. سازمان یافته بودن حملات نشانگر این بود که برای انتقام صورت گرفته بودند (International Crisis Group, 2013: 8).

یک سال بعد در ۲۰۱۳، در شهر میکتیلا^۲ در مرکز میانمار، دعوی یک مغازه‌دار مسلمان با مشتری بودایی، به حملات گروه‌های بودایی به محلات و اموال مسلمانان منجر شد. سپس کشته شدن یک راهبه بودایی توسط چند مسلمان موجب تشدید خشونت‌ها شد. به مغازه‌های مسلمانان حملاتی شد و پلیس هم مداخله‌ای نکرد. در این حین، «جنیش ۲۹۶۹» به رهبری «آشین ویراتو^۳» شکل گرفت. او یک راهبه بودایی افراطی در میانمار است که نقش زیادی در تحریک احساسات ضداسلامی دارد و گروه او در وقایع آن سال نیز فعال بوده است و به بن لادن میانمار معروف شده است (International Crisis Group, 2013: 13).

هرچند آمارها متفاوت است، اما به‌طور کلی در خشونت‌های سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ تقریباً ۲۰۰ نفر کشته شده و ده هزار خانه تخریب شد. ۲۵۰۰۰ مسلمان به بنگلادش و مالزی و هند و سریلانکا و تایلند گریختند. بدرفتاری‌ها و سرکوب مسلمانان توسط بودایی‌ها هم‌اکنون نیز در میانمار جریان دارد و توسط دولت حمایت می‌شود (Habibollahi and others, 201: 1) تا به امروز، قربانیان و خانواده‌های آن‌ها تحت هیچ‌گونه اقدام حمایتی توسط مقامات رسمی قرار نگرفته‌اند و مرتکبان این جنایات توسط هیچ مقام پلیسی یا قضائی تعقیب نشده‌اند.

1- Kaman communities

2- Meiktila

3- 969 Movement

4- Ashin Wirathu

کشتارها و درگیری‌ها بیش از سه‌سال تقریباً متوقف شده، اما کینه‌ها و قساوت‌های گذشته که بی‌کیفر مانده بود، دنبال بهانه‌ای بود که دوباره آغاز شود. گروهی از مسلمانان روهینگایی در ۲۵ اگوست ۲۰۱۷ (۳ شهریور ۱۳۹۶) به نیروهای دولتی حمله کردند و ۱۲ سرباز را کشتند. در واکنش به این حمله، نیروهای دولتی با حمایت بوداییان افراطی "عملیات پاکسازی" را علیه روهینگیاها شروع کردند که هزاران نفر از جمله زنان و کودکان را کشتند و بیش از ششصد هزار نفر را مجبور به فرار از خانه‌هایشان کردند. اداره عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در یازده سپتامبر ۲۰۱۷ گفت که واکنش ارتش "به‌طور آشکار نامتناسب" بود و هشدار داد که این رفتار آن‌ها با اقلیت روهینگایی‌ها نمونه بارز پاکسازی قومی می‌تواند باشد. فراری‌ها از قتل عام در روستاها می‌گویند که سربازها خانه‌های آنان را آتش زدند. البته آمار کشته‌شده‌ها متفاوت است. دولت میانمار کشته‌شدگان را ۴۰۰ نفر اعلام کرده و سازمان ملل این تعداد را هزار نفر اعلام کرد. وزیر امور خارجه بنگلادش این تعداد را سه هزار نفر اعلام کرده است. برخی قربانیانی که فرار کردند، در جنگل‌ها پنهان شدند و از کوه‌ها و رودخانه‌ها عبور کردند که زخمی نیز بوده‌اند.^۱

۳. واکنش‌های بین‌المللی

هرچند برخی دولت‌ها درباره وضعیت میانمار اظهار نگرانی کردند، اما عکس‌العمل جدی در عمل نشان ندادند. در سال ۲۰۱۳، بانک توسعه آسیایی و بانک جهانی وام‌هایی را برای توسعه میانمار در نظر گرفتند. در سال ۲۰۱۳ رئیس‌جمهور تین سین روابط دیپلماتیک خود را توسعه داد و باراک اوباما از ورود وی به کاخ سفید استقبال کرد که اولین دیدار دوجانبه مقامات میانمار و آمریکا در ۵۰ سال گذشته بود.

در دهه ۱۹۹۰ برخی مقامات ایران چند سفر به منطقه داشتند و از اردوگاه روهینگیاها بازدید کردند و امدادهایی در اختیارشان گذاشته شد.^۲ در سال ۱۳۹۱ نیز سفیر آکرودیتته ایران در میانمار به ایالت راخین سفر کرد و از اردوگاه‌های مسلمانان بازدید کرده و ضمن تشریح مواضع اصولی ایران درخصوص تحولات جهان اسلام و مسلمانان، با بیان نگرانی عمیق مردم و مقامات ایران از رویدادهای اخیر این منطقه، بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی و نگاه عادلانه نسبت به تمامی اقوام و گروه‌های

1 -<https://www.theguardian.com/global-development/2017/sep/06/who-are-the-rohingya-and-what-is-happening-in-myanmar>, accessed 13 September 2017

2 -http://www.icro.ir/uploads/261_166_2_miyanmar.pdf, accessed February 2017

مذهبی تأکید کرد و پیدا کردن راه حل مناسب برای تکرار نشدن چنین حوادث تلخی در آینده را از طریق ایجاد اعتماد و گفتگو میان اقوام مورد تأکید قرار داد.^۱

مشاور ویژه سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم نسل زدایی، دربارهٔ خشونت‌ها در میانمار هشدار داد و خواست که دولت کسانانی را که مرتکب حملات شده‌اند مسئول تلقی کند. مشاور ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز صراحتاً راجع به خشونت در آن کشور اظهار نگرانی کرده و خواستار پایان دادن به تبعیض‌ها علیه مسلمانان روهینگیا و وضع حقوق شهروندی برای آنان شد. در گزارش سالانهٔ حقوق بشر میانمار هم از دولت خواسته شد تا حقوق برابر و حق شهروندی مسلمانان را به رسمیت بشناسد (5: 2014, GCR2P).

سازمان همکاری‌های اسلامی چند قطعنامه و بیانیه در محکومیت خشونت علیه مسلمانان میانمار صادر کرد و نمایندهٔ آن از ایالت راخین دیدار کرد. اجلاس فوق‌العادهٔ کمیتهٔ اجرایی این سازمان در سطح سفرا و نمایندگان دائم در مقر سازمان در جده برگزار شد تا درخصوص میانمار هم‌اندیشی شود. در این اجلاس راه‌های توقف کشتار مسلمانان میانمار بررسی شد که اعزام کمیتهٔ حقیقت‌یاب یکی از پیشنهادات نمایندهٔ دائم ایران بود. دبیرکل سازمان با ارسال نامه به سازمان ملل و دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی کیفری خواستار اقدام فوری به منظور توقف کشتارها شد (بابایی مهر، ۱۳۹۳: ص ۶۴).

گزارشگر ویژهٔ سازمان ملل متحد نقض حقوق بشر در میانمار را گسترده و سازمان‌یافته توصیف کرد و مدعی شد این نقض‌ها به احتمال زیاد موجب تحقق جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی در میانمار شده است. با این حال، برخلاف وضعیت یوگسلاوی سابق و رواندا و دارفور، شورای امنیت سازمان ملل در قضیهٔ میانمار برای تحقیقات وارد عمل نشد و مرتکبان این جرائم بی‌کیفر ماندند. (Goldstone and others, 2009: 91-92) بنابراین سازمان ملل متحد به‌عنوان مؤثرترین نهاد تأثیرگذار در سطح جهانی، اقدامی منفعلانه نشان داده و اقدام عملی جدی در این زمینه انجام نداده است.

دالایی لا ما رهبر بوداییان جهان خواستار پایان این خشونت‌ها شد و گفت: اگر بودا بود بی‌شک به این مسلمانان بیچاره کمک می‌کرد و من احساس غم‌انگیزی دارم.^۲ آنگ سان سوچی، رهبر دولت میانمار و برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل، از نحوهٔ گزارش دهی در مورد وضعیت مسلمانان روهینگیا انتقاد کرده و هم‌زمان بنگلادش گفته است که ارتش میانمار در مرز دو کشور مین‌گذاری کرده است.

۱- سایت خبرگزاری مهر، شناسه خبر: ۱۶۹۵۹۹۸، فروردین ۱۳۹۷

۲ <https://www.vox.com/world/2017/9/7/16256164/myanmar-rohingya-muslim-flee-bangladesh-genocide-aung-san-su-kyi>, accessed September 2017

همچنین آقای روحانی افزود که جمهوری اسلامی ایران و مشخصاً هلال احمر آماده است به اسکان و رسیدگی به مردم آسیب‌دیده کمک‌های لازم بکند (بی‌بی‌سی فارسی)^۱.

در ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۷ دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترس تصریح کرد که مقامات میانمار اقدامات نظامی خود را تمام کنند و به خشونت پایان دهند و به قانون احترام بگذارند. وی یافتن ریشه‌های این وضعیت را ضروری دانسته و از تمام کشورها خواست کمک‌های بشردوستانه به قربانیان کنند^۲. دیده‌بان حقوق بشر جرائم ارتكابی در سال ۲۰۱۲ را جنایت علیه بشریت و پاک‌سازی نژادی خوانده و سخنان و تبلیغات نفرت‌آمیزی را که از سوی دولت نسبت به مسلمانان اعمال می‌شد محکوم کرده است (Habibollahi and others 2014: 1).

رهبر انقلاب نیز در مورخه ۱۳۹۶/۶/۲۱ در واکنش به این کشتارها اذعان کرد: «جلوی چشم کشورهای اسلامی، جلوی چشم یک و نیم میلیارد مسلمان، جلوی چشم مجامع جهانی مدعی و دولت‌های ریاکار دروغگوی مدعی حقوق بشر، یک دولت بی‌رحمی که در رأس اش هم یک زنی است که جایزه [صلح] نوبل گرفته است. محکوم کردن چه فایده‌ای دارد؟ اعلامیه منتشر می‌کنند، چه اثری دارد؟ عمل باید بکنند. راه چاره این است که دولت‌های مسلمان عملاً وارد بشوند؛ نمی‌گوئیم لشکرکشی کنند به آنجا، اما فشار سیاسی بیاورند، فشار اقتصادی بیاورند، ده‌ها کشور مسلمان و دولت مسلمان هستند که ممکن است بعضی از این‌ها ارتباطات تجاری داشته باشند، ارتباطات اقتصادی داشته باشند؛ آن‌ها از آن طریق فشار بیاورند به آن دولت، تذکر بدهند ... دبیرکل سازمان ملل محکوم کرده است؛ خیلی زحمت کشیده! باید یک اثر عملی داشته باشد. آنجایی که سیاست‌هایشان اقتضا می‌کند، گاهی اوقات به خاطر زیر فشار قرار گرفتن یک مجرم در یک کشوری، زمین را به آسمان می‌رسانند، فریاد می‌کنند، داد می‌زنند، [چون] یک مجرمی در یک جایی مجازات شده! [اما] اینجا چند هزار نفر کشته شده‌اند - که آمارشان درست مشخص نیست (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶: سایت)^۳.

۴. بررسی وقایع میانمار از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و ابعاد حقوقی آن

کنفرانس دیپلماتیک که در سال ۱۹۹۸ در رم تحت نظارت سازمان ملل متحد برگزار شد، اساسنامه رم برای تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی را تصویب کرد و جرائم جدی را که منافع جامعه

1- <http://www.bbc.com/persian/world-41171150>, accessed September 2017

2- <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=57511#.WbmFZSbn8eF>, accessed September 2017.

3- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37638>, accessed September 2017.

بین‌المللی را به‌عنوان یک کل تحت تأثیر قرار می‌دهد، پوشش داد. این جرم‌ها شامل نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز می‌شوند. طبق ماده ۱۲ اساسنامه رم، دادگاه کیفری بین‌المللی زمانی می‌تواند اعمال صلاحیت کند که جنایت در قلمرو یک دولت عضو و یا توسط تبعه یک دولت عضو ارتکاب یافته باشد و یا دولت با سپردن اعلامیه نزد دبیرخانه این دادگاه، اعمال صلاحیت آن را نسبت به جنایت موردنظر بپذیرد. همچنین طبق ماده ۱۳ اساسنامه، ارجاع شورای امنیت سازمان ملل نیز از راه‌های دیگر اعمال صلاحیت آن دادگاه است. اما میانمار عضو اساسنامه رم نیست و از طرفی دولت میانمار هم اعمال صلاحیت دادگاه را نپذیرفته است. از این‌رو در مورد میانمار، ارجاع شورای امنیت شاید تنها راه چاره باشد. همچنین میانمار از سال ۱۹۹۲ عضو کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی ۱۹۴۸ و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ است که با توجه به این اسناد نیز وضعیت میانمار قابل بررسی است.

۴-۱. توصیف حقوقی جنایات ارتكابی در میانمار

برای اینکه به‌طور دقیق مشخص شود ماهیت و عناوین جرائم ارتكابی در میانمار چیست و اعمال مرتکبان با کدام یک از جرائم بین‌المللی تطبیق دارد، لازم است به‌طور مختصر به تعریف و شرایط جرائم بین‌المللی (به‌ترتیب جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی و جنایت جنگی) اشاره شود و سپس اعمال ارتكابی مرتکبان در میانمار با تعاریف و شرایط این جرائم بررسی و تطبیق داده شود. ابتدا لازم است اشاره شود که در قانون جزای داخلی میانمار قتل یک جرم است و از این‌رو دادگاه‌های بین‌المللی می‌توانند به قانون جزای داخلی این کشور نیز استناد کنند.

۴-۱-۱. جنایت علیه بشریت در میانمار

ماده ۶ منشور لندن برای اولین بار در تاریخ حقوق جزای بین‌المللی، مصادیق جرائم علیه بشریت را مشخص کرد که عبارت‌اند از: قتل عمد، نابودسازی (تصفیه)، برده ساختن، اخراج، اذیت و آزار بنا به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی و سایر اعمال غیرانسانی که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد. پس از منشور لندن، اسناد متعددی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به جرائم علیه بشریت اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: قطعنامه سازمان ملل متحد در ۱۹۴۶ در تأیید اصول حقوق بین‌المللی شناخته‌شده در منشور نورنبرگ، کنوانسیون منع آپارتاید ۱۹۷۳، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ در مورد مخصمات مسلحانه. از مجموع اسناد بین‌المللی مذکور به این نتیجه می‌رسیم که در جنایت علیه بشریت، صلاحیت جهانی

برای رسیدگی وجود دارد و تمامی کشورها می‌توانند متهمان به ارتکاب این‌گونه جرائم را به محاکمه بکشانند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۷۰-۷۱).

در اساسنامه رم مصادیق جرائم علیه بشریت عبارت‌اند از: قتل، نابودسازی، به بردگی گرفتن، اخراج یا انتقال اجباری، محبوس کردن یا محروم کردن شدید دیگری از آزادی فیزیکی، شکنجه، اذیت و آزار، ناپدید کردن اجباری اشخاص، تبعیض نژادی و اعمال غیرانسانی مشابه. ماده ۷ اساسنامه رم، جنایت علیه بشریت را «حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی» تعریف می‌کند. متهم باید آگاهی داشته باشد که عمل او بخشی از حمله علیه یک جمعیت غیرنظامی است. حمله می‌تواند توسط هر نیروی نظامی یا شهروند غیرنظامی انجام یابد. قربانی حمله یک نفر نیست، بلکه یک «جمعیت» است، اما تعدد قربانیان شرط نیست. از قید «گسترده» بودن حمله نیز این شرط فهمیده می‌شود که باید در مقیاس وسیعی انجام یابد. سازمان‌یافتگی حمله هم به معنی برنامه‌ریزی و طرح قبلی است (Goldstone and others, 2009: 25).

همچنین برای تحقق جنایت علیه بشریت، انجام حمله گسترده یا سازمان‌یافته در راستای اشاعه و پیش‌برد سیاست و رویه یک دولت یا سازمان ضروری است که در بند (a) ۲ ماده ۷ اساسنامه رم نیز به آن اشاره شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸، ۱۰۷). عنصر سیاست را می‌توان از مجموع اوضاع و احوال استنباط کرد. وقایع عینی، خط‌مشی‌ها یا نوشته‌های حزبی سیاسی یا اظهارات عمومی و برنامه‌های تبلیغاتی و همچنین در دست گرفتن رهبری کشور یا سازمان در جنایت و پیش‌برد فعالانه جنایت از دلایل محکمه‌پسند محسوب می‌شوند (ورله، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۲). از این رو جرم تصادفی و خودسرانه افراد نمی‌تواند جنایت علیه بشریت باشد و دست‌های پشت پرده و نقش پنهان یک دولت یا سازمان و یا مقامات بالا در ارتکاب آن مؤثر نیست که با تحریک و تشویق افراد عادی، حملات را هدایت می‌کنند.

از این رو به‌طور خلاصه برای تحقق جنایت علیه بشریت وجود شرایط زیر ضروری است:

- ۱- باید حمله‌ای صورت گرفته باشد.
- ۲- اعمال متهم بخشی از آن حمله باشد.
- ۳- حمله علیه یک جمعیت غیرنظامی باشد.
- ۴- حمله گسترده یا سازمان‌یافته باشد.
- ۵- مرتکب بداند که عمل او بخشی از آن حمله است (Irish Centre for Human Rights, 2010: 31).

بنابراین به نظر می‌رسد طبق ادعای دیده‌بان حقوق بشر و گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، سازمان یافته بودن سرکوب‌ها، نقض مستمر حقوق بشر، بازداشت‌های خودسرانه، آزار و تعقیب بنا به دلایل مذهبی و کشتار و تخریب خانه‌ها و روستاها خصوصاً با توجه به اینکه این اعمال در راستای اشاعهٔ مذهب بودایی توسط دولت و مرتکبان علیه مسلمانان روهینگیا بوده است، می‌تواند مصداقی از جنایت علیه بشریت باشد و واقعیت این است که بودایی‌ها، فرهنگ اسلام را خطری برای بودایی‌ها و سرزمین راخین می‌دانند (Habibollahi and others, 2013: 1). اعمالی چون تجاوز و خشونت جنسی، شکنجه، بازداشت خودسرانه، انکار آزادی مذهبی و حق شهروندی و محدودیت ازدواج به صورت انفرادی و علیه یک یا دو فرد ارتکاب نیافت؛ بلکه در زمینه‌ای گسترده و توسط گروهی از بودایی‌ها علیه جمعیت مسلمانان و با مشارکت نیروهای نظامی و دولتی ارتکاب یافت و هیچ مسلمانی در سال ۲۰۱۲ از جرائم بودایی‌ها در امان نبود. در واقع مسلمانان میانمار هدف سرکوب‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی قرار گرفتند (Irish Centre for Human Rights, 2010: 147-148).

بدین ترتیب در انطباق اعمال ارتكابی مرتكبان در میانمار با جنایت علیه بشریت، می‌توان گفت حمله بودایی‌ها به ده مسلمان در اتوبوس مشمول بند ۱ ماده ۷ اساسنامهٔ رم، یعنی قتل می‌شود و تخریب و آتش‌سوزی خانه‌ها و روستاها و مساجد مسلمانان با بند ۸ ماده ۷ اساسنامهٔ رم، یعنی اذیت و آزار انطباق دارد، زیرا این اعمال محروم کردن عمدی و جدی مسلمانان از حقوق اساسی به دلیل هویت گروهی آن‌ها است. به نظر می‌رسد با توجه به آوارگی و جابه‌جایی و گریختن مسلمانان به مرزهای کشورهای مجاور، بتوان اعمال مرتکبان را مشمول بند ۴ ماده ۷ یعنی اخراج یا انتقال اجباری دانست؛ چون اخراج و انتقال مستلزم اجبار فیزیکی نیست، بلکه تهدید و سرکوب روانی، بازداشت و سوءاستفاده از قدرت و سایر ابزارهای جابه‌جایی را هم شامل می‌شود و مسلمانان نیز از روی ارادهٔ خود نگریختند، بلکه از ترس کشته شدن و یا تخریب خانه‌هایشان به ناچار فرار کردند. شایان ذکر است که هرچند خود دولت مستقیماً در ارتکاب این جنایات دخالت نکردند، اما با ایجاد زمینه و تحریک مردم بودایی و عدم جلوگیری از ارتکاب آن‌ها، موجب تشدید جنایت‌ها نیز شدند که این امر نشانگر نقش مؤثر آن‌ها در ارتکاب این جنایات است. بودایی‌ها نیز به صورت گروهی و هدایت شده مرتکب این جنایات شدند که نشانگر گستردگی و سازمان‌یافتگی اعمال آن‌ها است.

۴-۱-۲. ژنوسید در میانمار

برای بررسی وقایع میانمار در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷، می‌توان به کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی ۱۹۴۸ نیز استناد کرد. این کنوانسیون سند الزام‌آوری است که مهم‌ترین جنایت بین‌المللی

را که به «جنایت جنایت‌ها» مشهور است، جرم‌انگاری کرده است و کشور میانمار هم عضو آن است. از این رو باید با احتیاط در مورد وقوع جرم ژنوسید در میانمار سخن گفت.

ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز به پیروی از ماده ۲ کنوانسیون منع نسل‌زدایی، جرم ژنوسید یا نسل‌زدایی را متشکل از یکی از اعمال پنج‌گانه زیر دانسته است و هر یک از اعمال زیر به قصد نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، ژنوسید محسوب می‌شود:

- ۱- کشتن اعضای یک گروه ملی، قومی، نژاد یا مذهبی؛
- ۲- ایراد صدمه شدید جسمانی یا روانی به اعضای گروه؛
- ۳- تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل بین گروه؛
- ۴- تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسبی بر گروه که منتهی به زوال جسمی جزئی یا کلی آن شود؛
- ۵- انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر.

تحقق جرم ژنوسید مستلزم آن است که حداقل سه موضوع عمده در نظر گرفته شود: اولاً: هر یک از اعمال نسل‌زدایی باید واقعاً ارتکاب یابد (عنصر مادی)؛ ثانیاً: علاوه بر عمد در ارتکاب اعمال مذکور، باید قصد و سوءنیت خاص (عنصر معنوی) نیز برای از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه وجود داشته باشد؛ ثالثاً: قربانیان باید متعلق به یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی باشند و صرفاً به این دلیل که به گروه‌های مذکور تعلق دارند، برای نابودی انتخاب شوند. نکته‌ای که در مورد مرتکبان ژنوسید لازم به ذکر است، این است که جرم نسل‌زدایی نمی‌تواند به وسیله یک شخص ارتکاب یابد، زیرا جرمی ضد یک گروه است و نابودی گروه از توان یک نفر خارج است. با عنایت به ماده ۴ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌زدایی که با کلمه «اشخاصی که» شروع می‌شود و با عبارت «مطابق قانون اساسی مسئول باشند یا مستخدمان دولت و اشخاص عادی باشند» ادامه پیدا می‌کند، می‌توان گفت نسل‌زدایی معمولاً به وسیله دولت و توسط تشکیلات قدرتمند انجام می‌شود. زیرا عبارت‌های مذکور همگی جمع هستند، نه مفرد (محاسب، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۱). همان‌طور که در میانمار حمله به اتوبوس و کشتن مسلمانان و حملات صورت گرفته به روستاها و خانه‌های مسلمانان به صورت گروهی و جمعی توسط بودایی‌ها انجام می‌یافت.

ضرورتی ندارد که یک گروه به طور کامل یا ناقص نابود شود، بلکه ضرورتاً برای اینکه نسل‌زدایی مسئولیت مرتکب را در پی داشته باشد، اقدامات ارتكابی موجب عنصر مادی جرم باید با سوءنیت و قصد ارتکاب یابد. اما برخی دیگر اعتقاد دارند که نمی‌توان هر کشتار و بی‌رحمی را نسل‌زدایی نامید و «اگر محکومیت به جنایت علیه بشریت وجود نداشته باشد، محکومیت به جرم نسل‌زدایی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد.» (Murray, 2011: 591). از این رو از نظر نویسندگان اخیر که ویلیام شبت

هم از این دسته است، نسل‌زدایی باید به‌طور گسترده و سازمان‌یافته و با سوءنیت خاص علیه قربانیان متعدد انجام یابد.

از آنجا که ژنوسید نیازمند قصد خاص نابودسازی گروه است، از این‌رو از آن به‌عنوان «جنایت جنایت‌ها» یاد می‌شود. این قصد خاص، شدیدترین شکل سوءنیت است که باعث می‌شود ژنوسید از دیگر جرائم بین‌المللی تفکیک شود. همین امر اثبات سوءنیت خاص را دشوار می‌سازد. زیرا سوءنیت خاص امری ذهنی است. به‌همین خاطر، دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، برخلاف دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رویکرد مبتنی بر آگاهی^۱ را به‌کار برد و بسیاری از متهمان را به نسل‌زدایی محکوم کرد. بدین ترتیب که اگر متهم آگاهی داشته که اعمال مجرمانه وی، منجر به نابودی یک گروه خواهد شد، برای اثبات سوءنیت خاص ژنوسید کفایت می‌کند (Goldsmith, 2010: 241-253). دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز الزامی بودن وجود برنامه در ارتکاب ژنوسید را پذیرفته است، بلکه آن را مدرکی در اثبات نیت مجرمانه تلقی کرده است: «وجود برنامه یا خط‌مشی از اجزای این جرم نیست، هرچند که وجود برنامه می‌تواند در زمینه اثبات نیت خاص مرتکب عامل مهمی باشد. شواهد قضیه ممکن است منطبق با وجود یک برنامه یا خط‌مشی باشد یا حتی وجود چنین برنامه‌هایی را نشان دهد که در این صورت می‌تواند اثبات جرم را تسهیل کند.» (موسوی و علوی، ۱۳۹۴: ۲۷).

در توضیح «قصد نابودی» می‌گوئیم که مرتکب باید اراده متوجه کردن اعمال مذکور در کنوانسیون نسبت به گروه‌های مشخص ماده ۲ را داشته باشد و اگر تنها آن اعمال را انجام دهد و به‌عبارتی عنصر مادی جرم محقق باشد، اما توجه به نابودی تمام یا بخشی از گروه را نداشته باشد، عنصر معنوی ژنوسید محقق نخواهد شد. از این‌رو قصد نابودی گروه‌ها باید به اثبات برسد و نمی‌توان آن را فرض کرد، مانند بمباران‌هایی که علیه اجتماعات انسانی در جنگ‌ها اتفاق می‌افتد بدون اینکه مرتکب توجه خاصی در این زمینه داشته باشد (جوانمردی‌صاحب، ۱۳۸۴: ۳۸).

به‌طور خلاصه در عنصر روانی ژنوسید، وجود علم و قصد (یا سوءنیت) ضروری است. متهم باید از نتایج اعمال ارتكابی خود آگاهی داشته باشد، مثلاً اگر عمل ارتكابی او قتل است، از نتیجه آنکه سلب حیات قربانی است، آگاهی داشته باشد. در عنصر «آگاهی» حتی بی‌توجهی و غفلت از نتیجه عمل ارتكابی، می‌تواند برای اثبات آگاهی متهم کافی باشد. همچنین کافی نیست که اعضای گروه صرفاً به‌خاطر تعلق به یک گروه خاص، مورد هدف قرار گیرد. به‌عبارتی قصد تبعیض‌آمیز متهم

کافی نیست و چیزی بیش‌تر از آن موردنیاز است که همان قصد «نابودی کلی یا بخشی از گروه» است (Schabas, 2009: 261). اما دشواری‌های فراوی محاکم بین‌المللی در احراز این قصد آن هم در پرتو انکار متهمان، رویه قضائی را بر آن داشت تا از اوضاع و احوال و نحوه ارتکاب عنصر مادی برای کشف واقع استفاده کند. زیرا در پرتو ادعای رهبران و فرماندهان مبنی بر عدم وقوف و اطلاع نسبت به تعدیات مأموران و زیردستان خود، قضات در دشواری قرار می‌گیرند. بر این اساس، هم بار اثبات قصد خاص برعهده دادستان بوده و متهمان نیز حقوق دفاعی دارند (شریفی، ۱۳۹۰: ۹۰). در این موارد هدف نهائی متهم یا متهمان، نه از اظهارات خود آنان که تلاش خواهند کرد تا هدف نابودی گروه را انکار کنند و اقدامات مجرمانه خود را اعمالی کور و پراکنده جلوه دهند؛ بلکه همچون مسئله‌ای قضائی، از کیفیت اعمال ارتكابی آن‌ها و شرایط و اوضاع و احوال هر مورد به‌وسیله قاضی ممکن است استنباط شود (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹).

در مورد وقایع میانمار در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷ با توجه به زمینه قبلی خصومت شدید بین بودایی‌ها و مسلمان‌ها و سال‌ها آزار و تبعیض و خشونت علیه مسلمانان روهینگیا و محرومیت آن‌ها از حقوق انسانی و نهایتاً قتل عام سال ۲۰۱۷، می‌توان به سوءنیت خاص بودایی‌ها در حملات علیه مسلمانان برای نابودی آن‌ها پی برد. این قرائن نشانگر این است که حملات ۲۰۱۷ با قصد و برنامه‌ریزی قبلی بوده است. از طرفی هم این حملات با مشارکت یا معاونت مقامات رسمی و پلیسی و راهبه‌های بودایی به‌طور جمعی و گروهی علیه تعداد معدودی از مسلمانان انجام یافته بود.

بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد هدف بودایی‌ها از حملات علیه مسلمانان، حذف این گروه مذهبی از صحنه تاریخ کشور میانمار بوده است. هرچند شاید گستردگی کشتارها به اندازه گستردگی قتل عام یهودیان آلمان و قتل عام رواندا و کامبوج نباشد. اما نمی‌توان از احتمال ارتکاب ژنوسید در میانمار سخن نگفت. همچنین این حملات مبنای ایدئولوژیکی هم داشتند که ریشه‌اش در اسلام‌هراسی است (Green and others, 2015: 95-100). شایان ذکر است، گروه‌های قومی زیادی در میانمار زندگی می‌کنند، اما تنها اقلیت روهینگیا توسط دولت مورد نفرت قرار دارند. از این‌رو قصد نابودسازی آن‌ها می‌تواند محرز شود.

بر این اساس، علاوه بر بند ۱ ماده ۲۰ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی و ماده ۶ اساسنامه رم که قتل اعضای گروه است، به‌نظر می‌رسد بتوان کشتارهای میانمار را مشمول بند ۳ مواد مذکور یعنی تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسبی بر گروه که منتهی به زوال جزئی یا کلی آن شود نیز دانست. ویلیام شبت در سال ۲۰۱۳ عنوان کرده است که: «در مورد روهینگیا، با منطقی‌هایی سروکار داریم که اصطلاح نسل‌زدایی در مورد آن قابل استفاده است. وقتی می‌بینیم که برای جلوگیری از زاد

و ولد اقدام می‌شود، هویت مردم انکار می‌شود، حق زندگی در محل زندگی‌شان انکار می‌شود، این‌ها همه علائم هشداردهنده‌ای است که نشان می‌دهد استفاده از کلمه نسل‌زدایی نامناسب نیست (1: Schabas, 2013). اما سپس وی در سال ۲۰۱۷ اذعان داشت: «شکی نیست که آنچه در میانمار رخ داده جنایت علیه بشریت است، اما با توجه به ماهیت سخت‌گیر حقوق بین‌الملل، دشوار است که آن را ژنوسید بنامیم. از نکته نظر حقوق بین‌الملل، به نظر نمی‌رسد که با نابودسازی گروه مذهبی یا ملی مواجه باشیم، بلکه بیش‌تر با آزار و تعقیب و سرکوب مواجهیم.» (Schabas, 2017:2). اگر بتوان این کشتار را نسل‌زدایی محسوب کرد، مرتکبان مشمول مواد ۵ و ۶ کنوانسیون منع نسل‌زدایی هستند. ماده ۶ در مورد دادگاه صالح مقرر می‌دارد: «طرفین متعهد متعهد به ارائه مجازات مؤثر برای افراد محکوم به جرم نسل‌زدایی هستند. اشخاص متهم به نسل‌زدایی باید توسط دادگاه صالح دولتی که جنایت در قلمرو آن ارتکاب یافته است، محاکمه شوند و یا توسط دادگاه کیفری بین‌المللی که ممکن است در رابطه با طرفین قرارداد صلاحیت داشته باشد و طرفین صلاحیت آن را پذیرفته باشند، مجازات شوند.»

اگر به دلیل دشواری‌های اثبات امر ذهنی قصد خاص صریح و قطعی نابودسازی مسلمانان روهینگیا، محکوم کردن مرتکبان به ژنوسید سخت باشد، حداقل می‌توان طبق گفته ویلیام شبت، از سازمان یافتگی و گستردگی حمله، آن را جنایت علیه بشریت محسوب کرد. البته جرائم ارتكابی و قتل عام مردم غیرنظامی میانمار در برخی موارد می‌تواند ترکیبی از هر دو جرم را شامل شود و از این رو تعدد جرم هم به ذهن متبادر می‌شود.

۴-۱-۳. جنایت جنگی در میانمار

جنایات جنگی در ماده ۸ اساسنامه رم جرم‌انگاری شده‌اند. جنایت جنگی نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا قوانین مربوط به جنگ است که می‌تواند موجب مسئولیت کیفری مرتکبان شود. جنایت جنگی می‌تواند در طول مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (داخلی) ارتکاب یابد که قضیه میانمار به مورد اخیر مربوط می‌شود (Goldstone and others, 2009: 28). برای تحقق جنایت جنگی در مخاصمات داخلی وجود شرایطی لازم است. اعمال ارتكابی باید علیه اشخاصی که در مخاصمات هیچ نقش فعالی ندارند، ارتکاب یابد. عناصر جنایت جنگی عبارت است از اینکه اولاً مرتکب باید یک یا چند جرم مانند شکنجه یا تجاوز جنسی را در طول مخاصمه مسلحانه انجام دهد. ثانیاً مخاصمه مسلحانه باید حسب مورد بین‌المللی یا داخلی باشد. ثالثاً مخاصمه داخلی باید چیزی شدیدتر از یک شورش یا اختلال‌گری باشد. رابعاً مرتکب باید از شرایط عینی که یک مخاصمه مسلحانه را تشکیل می‌دهد، آگاهی داشته باشد. خامساً

پیوند و رابطه‌ای میان جنایت و مخاصمات مسلحانه وجود داشته باشد (Goldstone and others, 2009: 28).

طبق بند e ماده ۸ اساسنامه رم، اعمالی چون حمله به افراد یا مناطق غیر نظامی، حمله به ساختمان‌های مذهبی، ارتکاب جرائم جنسی، غارت، جابه‌جا کردن جمعیت غیر نظامی جنایت جنگی محسوب می‌شوند که همگی در وقایع سال ۲۰۱۲ در میانمار ارتکاب یافته است. همچنین با توجه به مخاصمه و خشونت طولانی مدت بین اکثریت بودایی و حکومت میانمار با اقلیت مسلمانان، به نظر می‌رسد وضعیت کشور میانمار بیش از یک ناآرامی و شورش بوده است. از این رو غیر نظامیان بودایی که علیه غیر نظامیان مسلمان مرتکب جرائم مذکور شده‌اند، یک جنایت جنگی مرتکب شده‌اند.

شایان ذکر است گستردگی اعمال ارتكابی در جنایت جنگی شرط نیست. جنایت جنگی در غالب موارد یک جرم فردی و نه سازمان‌دهی شده به‌شمار می‌آید، اما گاهی نیز ممکن است در مقیاسی گسترده و سازمان‌یافته مانند کشتار گسترده هم ارتکاب یابد. اما آنچه جنایت علیه بشریت را از جنایت جنگی متمایز می‌سازد، اعمال ارتكابی گسترده یا سازمان‌یافته پیرو سیاست سازمان‌یافته علیه گروهی از شهروندان است. از این رو جنایت علیه بشریت معمولاً شدیدتر از جنایت جنگی است (بیگزاده و میرزاده، ۱۳۹۴: ۶۴).

با عنایت به متعدد و گسترده بودن جرائم ارتكابی در میانمار- اعم از قتل و حمله و تخریب و آتش‌سوزی و تجاوز جنسی و انتقال اجباری- بحث تعدد مادی و معنوی مطرح می‌شود. بدیهی است مرتکبان در صورت ارتکاب چند جرم مختلف به مجازات هر یک محکوم خواهند شد. اما ممکن است اعمال مذکور هم نسل‌زدایی و هم جنایت علیه بشریت و هم جنایت جنگی محسوب شوند. برای مثال، حمله به خانه‌ها و مساجد و تخریب آن‌ها هم تحمیل عمدی شرایط نامناسب برای زندگی مسلمانان بوده و هم محروم کردن شدید دیگری از آزادی فیزیکی که اولی مصداقی از نسل‌زدایی و دومی مصداقی از جنایت علیه بشریت است. این حملات همچنین مصداقی از حمله به افراد و مناطق غیر نظامی و ساختمان‌های مذهبی است که جنایت جنگی را تشکیل می‌دهند. بنابراین در چنین حملاتی به نظر می‌رسد هر سه جرم رخ داده است. بنابراین عمل واحد چند جرم را تشکیل می‌دهد که تعدد معنوی است. در این حالت اصولاً مجازات اشد- یعنی نسل‌زدایی- اعمال می‌شود؛ هر چند اساسنامه رم در ماده ۷۸ به‌طور کلی مقرر داشته در مواردی که محکوم علیه بیش از یک جرم مرتکب شده است، دادگاه موظف است برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه و برای همگی آن‌ها یک مجازات کلی که مبین جمع مدت حبس‌ها باشد، تعیین کند. این مدت نباید کم‌تر از حداکثر مدت حبس هر یک از جرائم و بیش‌تر از سی سال حبس و یا حبس ابد باشد.

همچنین اصطلاح «پاک‌سازی قومی»^۱ بعد از جنگ جهانی دوم توسط لهستانی‌ها و اهالی چک که قصد پاک کردن آلمانی‌ها و اوکراینی‌ها از کشورشان را داشته‌اند مورد استفاده قرار گرفته است. این اصطلاح در سال ۱۹۹۲ به دایرة لغات حقوق بین‌الملل وارد شد و برای توصیف سیاست‌هایی که در جنگ یوگسلاوی سابق به منظور ایجاد نواحی متجانس نژادی اتخاذ شدند، مورد استفاده قرار گرفت. در آن زمان این اصطلاح به صورت نقل قول در قطعنامه‌های شورای امنیت، مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر، شورای اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. این نقل قول‌ها نشان می‌دادند که این اصطلاح توسط خود مرتکبان پاک‌سازی قومی ابداع شده است (Schabas 2009: 221-223).

پاک‌سازی قومی اقدامی است که باعث می‌شود اعضای یک گروه قومی خاص از یک منطقه خاص زدوده شوند. هدف از آن خالص کردن یک منطقه از نظر قومی است. به عبارتی، هیچ‌یک از اعضای گروه قومی که هدف پاک‌سازی قومی قرار گرفته‌اند، دیگر در آن منطقه حضور نخواهند داشت ... آن‌ها تحت چنان فشارهایی قرار می‌گیرند که مجبور به کوچ می‌شوند. در واقع آن‌ها یا به میل خودشان از منطقه خارج می‌شوند یا اخراج می‌شوند؛ و علاوه بر این، اغلب با نابودی آثار تاریخی و فرهنگی مانند مکان‌های مذهبی و کلیساهای کاتولیک و مساجد در این مناطق روبه‌رو هستیم (Schabas 2009: 221-223). طبق رویه قضائی بین‌المللی، پاک‌سازی قومی نسل‌زدایی تلقی نمی‌شود، لیکن اگر پاک‌سازی قومی همراه با قصد خاص و مصداقی از موارد احصاشده در مواد ۲ و ۳ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی باشد، می‌توان آن را نسل‌زدایی محسوب کرد.

محاکم کیفری رواندا و یوگسلاوی سابق با اعلام پاک‌سازی قومی به عنوان یکی از مصداق‌های جنایت ژنوسید، بالاترین حمایت ممکن را از حق گروه‌های اقلیت و مردمان بومی به ادامه زندگی در محل سکونت خود به عمل آورده‌اند. دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در آرا و تصمیمات خود از پاک‌سازی قومی سخن به میان آورده است. افزایش شواهدی که پیرامون کشتار و خشونت علیه مردم روهینگیا در ایالت رخاین وجود دارد نشانگر آن است که انتقال اجباری مسلمانان، اخراج آنان از میانمار و تصویب قوانین و دستورالعمل‌های مختص مردم روهینگیا به تسهیل نابودسازی و خشونت بر ضد مردم روهینگیا که با پشتیبانی دولت انجام می‌شود، کمک می‌کند، از این رو به دنبال آن است آنان را از میان بردارد (روستایی و آرش پور، ۱۳۹۵: ۶۵). از این رو می‌توان گفت هزاران مسلمانانی که با وقوع خشونت علیه آنان از ایالت آراکان شمالی فرار کرده‌اند و اکنون خود را در وضعیت پرمخاطره‌ای می‌بینند که باید به عنوان پناهندگان ثبت‌نشده در کشور بنگلادش زندگی کنند، قربانیان جنایت علیه بشریت تبعید هستند. جنایت علیه بشریت تبعید و

1- Ethnic-cleansing

انتقال اجباری مسلمانان میانمار به صورت گسترده و سیستماتیک صورت گرفته است و منجر به تغییر آرایش قومی ایالت آراکان در کشور میانمار شده است و این وضعیت در حقیقت پاک‌سازی قومی است. با عنایت به شدت جرم نسل‌زدایی نسبت به جنایات علیه بشریت، نسل‌زدایی نامیدن پاک‌سازی قومی ارجحیت دارد (روستایی و آرش‌پور، ۱۳۹۵: ۶۸).

۵. مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار

با توجه به ماده ۱ از مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال بین‌المللی غیرقانونی تصویب شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در تاریخ ۹ اوت سال ۲۰۰۱ و تقدیم به دولت‌ها در قطعنامه مجمع عمومی ۸۳/۵۶، "هر عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت را به دنبال دارد"، در حالی که ماده ۲ مقرر می‌دارد که "زمانی یک عمل متخلفانه بین‌المللی دولت وجود دارد که رفتار متشکل از فعل یا ترک فعل ۱- به موجب حقوق بین‌الملل، منتسب به دولت باشد، ۲- به منزله نقض تعهد بین‌المللی دولت باشد." (Crawford, 2002: 61). البته این سند هنوز لازم‌الاجرا نیست.

در اوایل سال ۱۹۲۸، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در حکم خود در پرونده کارخانه در خورژو، اصل مسئولیت بین‌المللی را به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل و علاوه بر این، یک درک کلی از قانون توصیف کرد. در این پرونده، دیوان مقرر کرد که اولاً یک دولت می‌تواند برای سلب مالکیت از اموال یک بیگانه مسئول شناخته شود. ثانیاً در حقوق بین‌الملل، ملت به‌خاطر اعمال ارگان‌ها و مقامات دولتی مسئول است. ثالثاً این یک قاعده اساسی در حقوق بین‌الملل است که جبران خسارت به‌خاطر نقض قواعد حقوق بین‌الملل باید وجود داشته باشد (Crawford, 2002: 61). ماده ۷ منشور لندن، مسئولیت سران دولت‌ها را به‌خاطر ارتکاب جرائم بین‌المللی به‌رسمیت شناخت و در ماده ۱۳ پیش‌نویس «قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری» تهیه شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌المللی در سال ۱۹۹۶ نیز بر عدم مصونیت سران دول تأکید شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۶۹). واضح است که نقض جدی تعهدات ناشی از هنجارهای آمره حقوق بین‌الملل عمومی در میانمار رخ داده است و به‌طورکلی نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت، نقض جدی تعهدات تحت معیارهای آمره حقوق بین‌الملل هستند. همان‌طور که دولت‌ها برای اعمال غیرقانونی بین‌المللی خود مسئولیت دارند، هر دولت به‌موجب عضویت خود در جامعه بین‌المللی، منافع قانونی در حمایت از برخی از حقوق اساسی و تحقق برخی از تعهدات ضروری را دارد. اما مسئولیت کیفری دولت به‌عنوان شخص حقوقی هنوز به‌رسمیت شناخته نشده است و نمی‌توان دولت میانمار را محکوم کرد، اما می‌توان اشخاص حقیقی آن دولت را محکوم کرد.

گفتنی است صرف حضور برخی مقامات در صحنه جرم که از نوعی اقتدار برخوردار هستند، برای مسئولیت کیفری آن‌ها کفایت می‌کند. مثلاً در آرای دیوان یوگسلاوی سابق متهمی که عضو نیروهای مسلح بود و در صحنه تجاوز به یک زن حاضر بود و هیچ کاری انجام نمی‌داد، به معاونت در جرم محکوم شد و در پرونده آکایسو هم وی به‌عنوان شهردار به‌خاطر حضور در صحنه‌های خشونت جنسی معاون جرم شناخته شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۱۶۵). بر این اساس، در میانمار هم مقامات پلیسی و نیروهای مسلح نظاره‌گر جرم بودند و با قدرت پیشگیری از جرم و برخورد با عاملان، هیچ اقدامی انجام نمی‌دادند و حتی در برخی موارد با عاملان همکاری نیز می‌کردند. از این رو آن‌ها به‌خاطر تسهیل ارتکاب جرم باید به معاونت در جرائم ارتكابی بودائیان محکوم شوند. برخورداری مرتکبان از مقام و موقعیت رسمی، مانع تعقیب و مجازات نمی‌شود و مسئولیت کیفری فرد به‌لحاظ مقام و موقعیت رسمی متهم زائل نمی‌شود. مصونیت‌هایی که در حقوق داخلی پذیرفته شده است، مانعی در راه رسیدگی به جرائم بین‌المللی نیست و اصل برابری افراد در برابر قانون در حقوق بین‌الملل کیفری، استثنا نمی‌پذیرد. صدور قرار جلب عمرالبشیر توسط دادگاه بین‌المللی کیفری نشان داد که در مبارزه با جنایتکاران بین‌المللی، نه بر موقعیت رسمی متهمان واقعی نهاده می‌شود و نه در مقابل فشارهای مختلف سر تعظیم فرود آورده می‌شود تا به بی‌کیفر ماندن جنایات بین‌المللی پایان بخشیده شود (زمانی، ۱۳۹۰: ۳۶۴-۳۸۲). ماده ۲۷ اساسنامه رم نیز مقرر می‌دارد که این اساسنامه به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد و سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت یا مجلس و نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به‌هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری معاف نخواهد کرد و مصونیت‌های حقوق داخلی یا حقوق بین‌المللی موجب نمی‌شود که دیوان نتواند اعمال صلاحیت کند.

۶. مرجع صالح به رسیدگی به جنایات میانمار

با توجه به عدم عضویت میانمار در دادگاه کیفری بین‌المللی، طبق ماده ۱۲ اساسنامه رم، آن دادگاه صلاحیت رسیدگی به جنایات میانمار را ندارد؛ اما طبق ماده ۱۳ اساسنامه رم، از اختیارات شورای امنیت است که وضعیت میانمار را به دادستان دادگاه ارجاع دهد و تعقیب و تحقیق در این خصوص شروع شود و یا اینکه یک دادگاه مستقل و اختصاصی دیگر مانند دیوان نورمبرگ و یا دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا برای پیگیری آن تشکیل شود. شایان ذکر است، قتل طبق ماده ۲۹۹ و ۳۰۰ قانون جزای کشور میانمار جرم است که دادگاه‌های اختصاصی می‌توانند علاوه بر مجازات‌های مقرر در اساسنامه خود، به این مواد نیز استناد کنند. از طرفی دیگر در این زمینه، شورای امنیت سازمان ملل طبق مواد ۳۶ تا ۴۳ فصل هفتم منشور ملل متحد، در صورت احراز هرگونه تهدید

علیه صلح یا عمل تجاوز، می‌تواند به تصمیماتی چون قطع روابط سیاسی با کشور موردنظر یا به‌کارگیری نیروی مسلح متوسل شود. مجازات‌های مقرر در اساسنامه رم نیز عبارت‌اند از: حبس ابد، حبس تا سی سال و جزای نقدی. اما با توجه به اینکه رسیدگی‌ها در دیوان بین‌المللی کیفری به‌طور حضوری است، از این‌رو امکان دستگیری و جلب مقامات و مرتکبان جنایت میانمار در عمل شاید وجود نداشته باشد و مجازات‌ها قابلیت اجرایی نداشته باشند. دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی دارای اختیارات گسترده است و می‌تواند با استفاده از شهود و کمک خواستن از مجامع بین‌المللی و کشورهای دیگر در مورد وضعیت میانمار تحقیق کند.

برای پیشگیری از نقض‌های بیش‌تر حقوق بشر در آینده در میانمار، شورای امنیت سازمان ملل باید کمیسیون حقیقت‌یابی را برای بررسی وضعیت این کشور براساس تحقیقات و یافته‌ها تشکیل دهد و این کمیسیون باید مطابق استانداردهای حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی بررسی و مشخص کند که آیا نقض‌های شدید حقوق بشر و جرائم ارتكابی در میانمار مصداقی از نسل‌زدایی یا جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی است. جامعه جهانی نیز باید نیاز به چنین تصمیمی را به شورای امنیت گوشزد کند و نهایتاً به دادگاه بین‌المللی کیفری ارجاع داده شود تا مرتکبان چنین جرائمی بی‌کیفر نمانند (بابایی مهر، ۱۳۹۳: ۶۹).

علاوه بر دادگاه بین‌المللی کیفری که از طریق شورای امنیت باید به آن ارجاع شود، مقامات میانمار می‌توانند به‌موجب کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی ۱۹۴۸ و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و همچنین رویه قضائی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و هنجارهای عرفی حقوق بین‌الملل به‌خاطر اعمال خود مسئولیت داشته باشند. از طرفی هم فرض بر این است که جنایات تعریف‌شده در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری منعکس‌کننده آخرین وضعیت حقوقی عرفی بوده و این جنایات براساس حقوق بین‌المللی عرفی یا اصول کلی حقوقی شناخته‌شده توسط ملل متمدن، دارای جنبه کیفری هستند. به‌همین دلیل برای جرائم بین‌المللی صلاحیت جهانی وجود دارد و کشورهای دیگر تحت شرایطی می‌توانند مرتکبان جنایات میانمار را طبق اصل صلاحیت جهانی تعقیب و محاکمه کنند. البته با عنایت به اینکه صلاحیت جهانی موسع امروزه کم‌تر پذیرفته شده است و اغلب کشورها از جمله کشور جمهوری اسلامی ایران صلاحیت جهانی مضیق را پیش‌بینی کرده‌اند، تعقیب مرتکبان به‌موجب اصل صلاحیت جهانی شاید مشکل باشد. از این‌رو اصل صلاحیت جهانی هم یک راه بیرون‌رفت از این معضل است تا دادگاه‌های داخلی کشورهای دیگر بتوانند به آن جرائم رسیدگی کنند. اما اصل صلاحیت جهانی موسع امروزه پذیرفته نشده و از طرفی هم ملاحظات سیاسی دولت‌های بزرگ مانند آمریکا و فرانسه و روسیه امکان

رسیدگی به این وقایع را کم کرده است. اما به هر حال می‌توان با تدابیر خاصی از طریق اهرم‌های بین‌المللی بر دولت میانمار برای مجازات عاملان جنایت فشار آورد و یا شورای امنیت سازمان ملل آن وقایع را به دادگاه بین‌المللی ارجاع دهد تا امکان رسیدگی به عاملان فراهم شود.

نتیجه

به نظر می‌رسد حقایق موجود از وقایع کشور میانمار در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷ در ایالت راخین نشانگر این است که نقض جدی حقوق انسانی و مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی در آنجا رخ داده است. خشونت‌ها، تبعیض‌ها و سرکوب مسلمانان روهینگیا توسط اکثریت بودایی‌ها از دیرباز در این کشور تکرار می‌شود. بیانیه‌های گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان ملل و دیده‌بان حقوق بشر و پارلمان اروپا نیز جرائم ارتكابی در میانمار علیه مسلمانان را نقض جدی حقوق بشر و جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

با توجه به سرکوب‌های متعدد و مکرر مسلمانان روهینگیا طی سال‌های طولانی و وجود خصومت بودایی‌ها با آن‌ها، می‌توان گفت قتل‌ها و حملات علیه مسلمانان و خانه‌ها و روستاها و مساجد آن‌ها به خاطر مذهب‌شان ارتكاب یافت و در واقع هدف بودایی‌ها، پاک‌سازی و حذف گروه مسلمانان از کشور میانمار بوده است و چنین قرائنی، وجود سوءنیت خاص بودایی‌ها را برای از بین بردن گروه مسلمانان نشان می‌دهد. از این رو وقوع جرم نسل‌زدایی در میانمار بعید نیست. اما اگر به دلیل دشواری قصد خاص نابودسازی کلی یا جرنی مسلمانان، نتوان آن را احراز کرد و وقوع نسل‌زدایی اثبات نشود، می‌توان از قرائن و امارت عینی از جمله گروهی بودن و گستردگی و سازمان‌یافتگی کشتارها و تعداد نسبتاً زیاد قربانیان، وقایع سال ۲۰۱۲ میانمار را جنایت علیه بشریت محسوب کرد. علاوه بر قتل مسلمانان، تخریب و آتش‌سوزی خانه‌ها و روستاها و مساجد و آواره و جابه‌جا کردن مسلمانان در میانمار، از جرائمی است که جنایت علیه بشریت را محقق می‌سازد. این جرائم مشمول بندهای ۱ و ۴ و ۸ ماده ۷ اساسنامه رم یعنی قتل، اذیت و آزار بنا به دلایل سیاسی و مذهبی و اخراج و انتقال اجباری مسلمانان می‌شود. همچنین وجود مخاصمات و خشونت‌های طولانی بین بودایی‌ها و مسلمانان نشانگر این است که مخاصمه مسلحانه داخلی (غیربین‌المللی) در میانمار جریان داشته است و از این رو کشتن غیرنظامیان در این حالت می‌تواند جنایت جنگی نیز محسوب شود و در برخی موارد تعدد جرم نیز ممکن است رخ داده باشد.

عدم توجه مقامات عالی کشور میانمار به این جنایات و مشارکت و معاونت برخی مقامات پلیسی در ارتكاب حملات علیه مسلمانان از یک طرف و سکوت جامعه جهانی و کشورهای بزرگ از طرف دیگر، موجب بی‌کیفر ماندن مرتکبان این جنایات در میانمار شده است. سکوت مقامات

پلیسی و قضائی این کشور و بعضاً مشارکت آن‌ها در جنایات می‌تواند به منزله نقض تعهد بین‌المللی و هنجارهای عرفی حقوق بین‌الملل بوده و در نتیجه متناسب به دولت هم باشد. از این رو مجامع جهانی باید یک ارزیابی سیاسی-حقوقی از وقایع میانمار ارائه دهند و از مسلمانان روهینگیا حمایت کنند تا از وقوع چنین جنایات شنیع و نقض‌های شدید حقوق بشری پیشگیری شود. فشار جامعه جهانی به دولت میانمار می‌تواند موجب مجازات عاملان جنایات توسط آن دولت شود.

تشکیل یک کمیسیون حقیقت‌یاب توسط شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی وضعیت کشور میانمار طبق استانداردهای بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی ضروری است تا از این طریق مشخص شود که نقض شدید حقوق بشر و جرائم ارتكابی در میانمار مصداق کدام یک از جرائم بین‌المللی - نسل‌زدایی یا جنایت علیه بشریت - است. جامعه جهانی نیز باید نیاز به چنین تصمیمی را به شورای امنیت گوشزد کند و نهایتاً به دادگاه بین‌المللی کیفری ارجاع داده شود تا مرتکبان چنین جرائمی بی‌کیفر نمانند.



منابع

فارسی

- کرایر، رابرت و دیگران (۱۳۹۵)، *درآمدی بر حقوق و آئین دادرسی بین‌المللی کیفری*، ترجمه: حسین فخر و داود کوهی، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات مجد.
- محاسب، مهین‌دخت (۱۳۸۶)، *کشتار جمعی*، چاپ اول، کتابخانه گنج دانش
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۳)، *حقوق جزای بین‌الملل*، چاپ پنجم، نشر میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۸)، *دادگاه بین‌المللی کیفری*، چاپ پنجم، انتشارات دادگستر.

مقالات

- اردبیلی، محمدعلی و محمدجعفر حبیب زاده و حسین فخر (۱۳۸۵) «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، *مدرسه علوم انسانی*، دوره دهم، شماره سوم.
- جوانمردی‌صاحب، مرتضی (۱۳۸۴)، «نسل‌زدایی، ساختار عناصر جرم»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره شصت و هشتم.
- بابایی‌مهر، علی؛ اسماعیل‌نسب، حسین؛ جلالی، مریم (۱۳۹۳)، «نسل‌کشی، مبانی نظری و بررسی موضوعی با تأکید بر قضیه میانمار»، *مدرسه حقوق، خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان*.
- بیگزاده، ابراهیم و میرزاده، منا (۱۳۹۴) «مقایسه شدت جرم و مجازات جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۱، دوره ۱۸، صص ۴۳-۷۳
- روستایی، علیرضا؛ آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۵)، «پاک‌سازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت علیه بشریت یا نسل‌زدایی؟»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۴۵-۷۳
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۰)، «دیوان کیفری بین‌المللی و دولت‌های غیر عضو: قرار جلب عمر البشیر»، *مندرج در «جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی»*، چاپ نخست، *پژوهشکده تحقیقات راهبردی شریفی*، محسن (۱۳۹۰) «ارکان نسل‌کشی در پرتو اسناد و رویه قضائی بین‌المللی»، *تعالی حقوق*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۶۹-۹۴.
- موسوی، سیدعلی؛ علوی، سیدحسن (۱۳۹۴)، «نسل‌کشی در حقوق بین‌المللی کیفری با تطبیق بر نسل‌کشی مسلمانان میانمار»، *دو فصلنامه علمی-تخصصی گفتمان حقوقی*، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۴۴-۵
- ورله، گرهارد (۱۳۸۷) «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه امیرساعده وکیل، *مجله حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، صص ۵۹-۱۰۰.

سایت

- بی‌بی‌سی فارسی (۱۳۹۶)، آنگ سان سوچی انتقاد از برخورد دولت میانمار با مسلمانان روهینگیا را رد کرد، قابل دسترسی در: <http://www.bbc.com/persian/world-41171150> تاریخ آخرین بازدید: بهار ۱۳۹۷.

- بی‌بی‌سی فارسی (۱۳۹۶)، سازمان ملل: خشونت‌ها علیه مسلمانان روهینگیا تمام نشانه‌های پاکسازی قومی را دارد، قابل دسترسی در: <http://www.bbc.com/persian/world-41223687> تاریخ آخرین بازدید: بهار ۱۳۹۷.
- پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۶) گزیده‌ای از بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره فجایع میانمار، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37638>، تاریخ آخرین بازدید: بهار ۱۳۹۷.

انگلیسی

books

- Crawford, James. *The International Law Commission's Articles on State Responsibility* (2002) Introduction, Text and Commentaries (Cambridge: Cambridge University Press)
- GCR2P (The Global Centre for the Responsibility to Protect), (2014) *Anti-Muslim Violence in Burma/Myanmar and the Responsibility to Protect*, Graduate Center, CUNY, New York City.
- 16-Goldstone and others (2009), *Crimes in Burma*, International Human Rights Clinic at Harvard Law School (IHRC).
- Greem, Penny; MacManus, Thomas; Venning, Alicia de la Cour (2015), *Countdown to Annihilation: Genocide in Myanmar*, International State Crime Initiative, Queen Mary University of London, United Kingdom.
- Habibollahi, Aydin; McLean, Hollie; Diker, Yalcin (2013), *Crimes Against Humanity: The Case of the Rohingya People in Burma*, The Norman Paterson School of International Affairs (NPSIA), All-Party Parliamentary Group for the Prevention of Genocide and Other crimes Against Humanity.
- International Crisis Group (2013), *the Dark Side of Transition: Violence against Muslims in Myanmar*, Asia Report N°251, Brussels, Belgium,
- Irish Centre for Human Rights (2010), *Crimes against Humanity in Western Burma: The Situation of the Rohingyas*, National University of Ireland, Galway
- Lindblom, Alina and others (2015), *Persecution of the Rohingya Muslims: is genocide occurring in Myanmar's Rakhine state? A legal analysis*, Allard k. Lowenstein international human rights clinic, Yale law school for fortify rights.
- Munlaws, Faculty of Law, University of Ljubljana (2016), *Security Council: The Situation of Rohingya in Myanmar*, Munlaws, NATO's Public Diplomacy Division.
- Schabas, William A (2009), *Genocide in International Law, The crime of crimes*, Second Edition, Cambridge University Press.
- United States Holocaust Memorial Museum (USHMM), (2015) “*They Want Us All To Go Away”: Early Warning Signs Of Genocide In Burma*, Simon-Skjodt Center For The Prevention Of Genocide, Washington, DC.

Articles

- Goldsmith, Katherine (2010), the Issue of Intent in the Genocide Convention and Its Effect on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide: Toward a Knowledge-Based Approach, International Association of Genocide Scholars, Volume 5, Genocide Studies and Prevention: An International Journal, Issue 3, article 3, p238–257.

- Murray, Alexander R. J. (2011), *Does International Criminal Law Still Require a 'Crime of Crimes?'* A Comparative Review of Genocide and Crimes against Humanity, *Goettingen Journal of International Law* 3, 2, p589-615.
- Schabas, William A (2013), *Expert warns of Rohingya genocide*, available at: <https://www.aljazeera.com/pressoffice/2013/03/20133210535530465.html>
- Schabas, William A (2017), *Is Genocide Occurring Against the Rohingya in Myanmar?*, available at: <http://www.newsweek.com/genocide-occurring-against-rohingya-myanmar-experts-weigh-659841>

Site

- <https://en.wikipedia.org/wiki/Myanmar>, last visited February 2017
- <https://www.vox.com/world/2017/9/7/16256164/myanmar-rohingya-muslim-flee-bangladesh-genocide-aung-san-suu-kyi>, {A Nobel Peace Prize winner is standing idly by as her country moves closer to genocide} last visited, September 2017
- <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=57511#.WbmFZSbn8eF>, {UN chief calls for action on Myanmar and DPR Korea; launches reform initiatives} last visited September 2017
- <https://www.theguardian.com/global-development/2017/sep/06/who-are-the-rohingya-and-what-is-happening-in-myanmar>, {Who are the Rohingya and what is happening in Myanmar?}, last visited September 2017.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی